



شریف لطفی
اندیشه‌های
موتسیقای

نشر دیبایه

عنوان کتاب: اندیشه های موسیقایی

پدیدآور: شریف لطفی

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۱۳-۳۸-۴

شمارگان ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

چاپ نخست ۱۳۹۲

حق چاپ و نشر برای نشر دیبایه محفوظ است.

نشر دیبایه

تلفن: ۲-۲۲۸۸۶۴۵۰

۸۸۰۸۰۳۳۰

www.dibayeh.ir

طراحی جلد و آغاز کتاب:

www.hamidmosaddegh.com

کا
رنگر
حمید

سرشناسه: لطفی، شریف، ۱۳۲۹ -

عنوان و نام پدیدآور: اندیشه های موسیقایی / پدیدآور: شریف لطفی .

مشخصات نشر: تهران: دیبایه، ۱۳۹۲ .

مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص:، نمودار .

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۱۳-۳۸-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: موسیقی -- مسائل متفرقه

رده بندی کنگره: ۸۱۳۹۲ الف ۶۱ / ۸۱۶۳

رده بندی دیویی: ۷۸۰ / ۰۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۱۴۰۵۲

فهرست

تأثیر موسیقی بر انسان

تقلید در روند فراگیری

انسان، هنر و تقدس

آفرینش در موسیقی ایرانی

روش نوین آموزش آکادمیک موسیقی

فن اجرا (تکنیک) در اصول اجرای موسیقی

موزیکالیت (اجرای موسیقایی)

دشیفراژ (اجرای یک باره نت‌های موسیقی)

انجمن‌های فیلارمونیک (دوستانان موسیقی)

تأثیر موسیقی بر انسان

اثر موسیقایی به هنگام شنیده شدن توسط فردی که تنها شنونده موسیقی است و نه اجراکننده‌ی آن، موجب سه رخداد در ذهن وی می‌شود که هریک از این سه نیز به دو وجه تفکیک می‌یابد. تمامی این موارد به صورت جداگانه و یا آمیخته با هم نیز می‌تواند در وجود فرد شنونده اثر موسیقایی بروز کند:

الف: تبعیت ۱. آوازی ۲. حرکتی

ب: تداعی ۱. مسبوق عام ۲. مسبوق عین

پ: تخیل ۱. معلوم ۲. مجهول

آواز سردادن یا زمزمه کردن انسان همراه با یک اثر موسیقایی که در جریان شنوایی وی قرار دارد در حقیقت «تبعیت آوازی» آواز آن اثر موسیقایی است. هرگاه این هماهنگی و همراهی انسان با اثر موسیقایی که در جریان شنوایی وی قرار دارد از راه حرکت بدن انجام پذیرد، در این صورت موسیقی مورد نظر، انسان شنونده را وادار به «تبعیت حرکتی» (رقص) کرده است. تبعیت آوازی یا حرکتی از یک اثر موسیقایی توسط انسان، به نوعی فرمان‌پذیری و اطاعت مغزاوست از موسیقی‌ای که در حال شنیدن آن است.

اصوات با اشکال گوناگون در هراثرموسیقایی؛ از راه شنوایی به مغز انسان می‌رسد. در آن جا پس از دریافت (پذیرش) به صورت فرامین صادره از مغز با به لرزش درآوردن تارهای صوتی وی و یا به حرکت درآوردن اعضای بدن انسان، بروز و نمود می‌یابد. این پذیرفتن و پیروی از موسیقی توسط انسان؛ هراندازه دقیق‌تر و منظم‌تر انجام پذیرد، به همان نسبت می‌تواند راه پذیرش و تبعیت توأم با دقت و صحت هرچه بیشتر مغز انسان را که اصل بسیار مهم در فراگیری هاست هموار سازد.

تبعیت «آوازی» یا «حرکتی» از یک اثر موسیقایی توسط انسان شنونده‌ی موسیقی، اغلب «تبعیت شکلی» و در برخی موارد «تبعیت شکلی و معنایی» است.

بدیهی است در روند «تبعیت شکلی» تنها طواهر اجرای آثار موسیقایی آن هم از راه حافظه طوطی‌وار و نیز عادت‌های برآمده از تکرار بر وجود انسان مستولی می‌شود. حال آن‌که در روند «تبعیت‌های شکلی و معنایی» فرد شنونده‌ی موسیقی، علاوه بر وقوف به واقعیت‌های بیرونی (شکلی)، هنگام اجرای آثار موسیقایی، بر معانی، مفاهیم و حقیقت امر نیز دست می‌یازد.

هرگاه شنود يك اثر موسیقایی توسط انسان موجب فراخوانی مورد یا واقعه‌ای در ذهن وی شود و آن واقعه یا مورد؛ غیر از موسیقی‌ای باشد که او در حال شنیدن آن است و نیز به شرط آن که سابقه‌ی آن مورد یا واقعه‌ی فراخوان شده در ذهن فرد شنونده از پیش در بایگانی محفوظاتش (حافظه) دقیقاً به همان صورت موجود بوده باشد، موسیقی شنیده شده توسط شخص، سبب تداعی «مسبق عام» در ذهن وی شده است. به عبارتی دیگر در تداعی «مسبق عام» انسان از راه شنود يك اثر موسیقایی خاطره‌هایی را در ذهن خود فرامی‌خواند و تداعی می‌کند که عیناً به همان وجه قبلاً در محفوظات ذهن وی بایگانی شده است. حال اگر تنها بخشی از تداعی فراخوان شده، دقیقاً به همان صورت از پیش در حافظه موجود بوده باشد و بخش دیگر آن، با استفاده از مواردی مانند «تداعی: مسبوق عین» «تبعیت: آوازی - حرکتی» و یا «تخیل: معلوم - مجهول» باشد که پس از این به آن‌ها اشاره خواهیم کرد، بدیهی است این اتفاق تنها «تداعی: مسبوق عام» نبوده بلکه به صورت اختلاطی از موارد مذکور در ذهن فرد شنونده بروز خواهد کرد. با توجه به موارد ذکر شده «تداعی: مسبوق عام» حاصل آمده از شنود يك اثر موسیقایی توسط انسان

است که خاطرات از پیش بایگانی شده در محفوظات وی را از حال راکد مانده در ذهن او خارج کرده به جریان و سیلان وامی‌دارد. این امر که در واقع مرور خاطره‌ها در ذهن شنونده موسیقی است - می‌تواند برای دست‌یابی وی به تمرکز و در پی آن حصول به آرامش و نشاط، بسیار مؤثر افتد.

هرآینه خاطره فراخوان شده در ذهن فرد شنونده دقیقاً همان اثر موسیقی باشد که در جریان شنوایی وی قرار دارد، در این صورت این امر موجب «تداعی: مسبوق عین» در ذهن او خواهد شد.

اثر موسیقایی اگر عین خود را در محفوظات بشربیابد، در این صورت با تحریک حافظه، عین محفوظ شده‌ی خود را در ذهن - که از راه تکرار در شنوایی وی حاصل آمده است - برای تطبیق و متعاقباً تصحیح فراخوان می‌نماید. این واقعه که همان «تداعی: مسبوق عین» است می‌تواند عین سابقه اثر موسیقایی را که فرد به آن گوش فرا می‌دهد از حال راکد مانده در ذهن وی خارج کرده و به جریان و سیلان وا دارد. بنابراین انسان به هنگام «تداعی: مسبوق عین» می‌تواند یکایک اشکال و معانی اثر موسیقایی را که به آن گوش فرا می‌دهد با عین سابقه موجود در ذهن منطبق کرده و در صورت درستی

در انطباق و یا در بعضی موارد به شرط برتری کیفیت اجرای اثر موسیقایی نسبت به عین سابقه موجود در ذهن، فرد شنونده به تمرکز، رضایت و نشاط بسیاری دست می‌یابد.

آن دسته از آثار موسیقی که نتواند انسان شنونده را وادار به تبعیث آوازی یا حرکتی بکند حتی قادر نباشد خاطره هر مورد یا واقعه انسجام یافته از پیش در محفوظات بشر را در ذهن وی تداعی «مسبق عام» یا «مسبق عین» کند، در این صورت آن اثر موسیقایی، فرد شنونده را وادار به تخیل در یکی از انواع «معلوم» یا «مجهول» می‌نماید.

«تخیل معلوم» در حقیقت تخیلی است خودخواسته و دارای تصویر ذهنی واضح و آشکار، حال آنکه تصویر ذهنی «تخیل مجهول» ناخواسته و همراه با اوهام و ابهام است.

فرد شنونده‌ای که از راه شنود آثار موسیقایی؛ ناخواسته در وادی «تخیل مجهول» سیر می‌نماید به تدریج توان رویارویی خود را با واقعیت‌های زندگی از دست می‌دهد. بدون تردید بازگرداندن چنین افرادی به عالم معلوم و نیز بدیهیات در هر وادی موجود، اندکی دشوار خواهد شد.

و داشتن ذهن انسان به «تخیل معلوم» هنگام شنود آثار موسیقایی، فرد را به تفکر واداشته و از راه برانگیختن قوه تخیل،

ذهن وی را خود خواسته نسبت به پردازش تصاویر معلوم و همگون با موسیقی که در جریان شنوایی اش قرار دارد، وادار می‌سازد. بنابراین دامن زدن به «تخیل معلوم» از راه شنود آثار موسیقایی، ذهن انسان را برای رویارویی وی با واقعیت‌ها و معلومات، کارایی و توانایی فراوان می‌بخشد و این امر می‌تواند به توانمندی ذهن انسان در رابطه با خلاقیت‌هایش نیز کمک بسیار و ارزنده‌ای بکند.

تقلید در روند فراگیری

تقلید کوششی است توسط انسان در عمل بازتاب بیرونی وی؛ برای تشابه هر چه دقیق تر آن با اصل مورد تأیید برحافظه، عمل تقلید موجب رخداد دو وجه در وجود انسان می شود که در روند فراگیری حائز اهمیت و ارزش فراوان است.

۱. پذیرش (دریافت)

۲. پیروی (انجام)

عمل "پذیرش" (دریافت) در آغاز راه فراگیری با توجه به موقعیت وجودی تقلیدکننده معمولاً در وی شرط پذیرمی شود و تنها در صورتی که موضوع (سوژه) دارای ویژگی چنین یا چنان باشد، عمل پذیرش و در پی آن عمل تقلید مقدور می شود. در غیراین صورت عمل تقلید و در واقع سیر ابتدای راه فراگیری فرد تا حدودی دشوار و پیچیده خواهد شد.

«پذیرش» (دریافت) توأم با دقت و صحت لزوماً منجر به بروز دقیق و صحیح آن در مرحله ی پیروی (انجام) نمی شود اما پیروی (انجام) توأم با دقت و صحت بدون تردید تنها با تکیه بر پشتوانه «پذیرش» (دریافت) دقیق و صحیح مقدور می شود.